بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی شهدای استان زنجان - 5 /آبان/ 1400

در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی شهدای استان زنجان (۱)

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

اوّلاً به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز خوشامد عرض میکنم، بخصوص به افراد خانواده‌های شهیدان که اینجا تشریف دارند ؛ مادر بزرگوار سه شهید (۲) و همه‌ی دست‌اندرکاران این بزرگداشت بااهمّیّت. و تشکر میکنم و واقعاً متشکرم از همه‌ی شماها به خاطر اینکه این کار باارزش را شروع کردید و انجام دادید و ان‌شاءالله ادامه بدهید و به پایان برسانید. به دوستانی که آقایان گفتند به من سلام رسانده‌اند، چه جوانها، چه هیئتی‌ها، سلام بنده را هم صمیمانه خدمتشان عرض بکنید.

افتخارات زنجان یکی دو تا نیست ؛ زنجان در طول تاریخ یک مرکز پُرافتخار بوده ؛ هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ عملی ؛ چه در علم، چه علوم دینی ــ در فقه، در فلسفه، در عرفان ــ چه در میدانهای اجتماعی، شخصیّت‌های برجسته با گرایشهای مختلف، لکن همه برای خدا و در راه خدا ؛ امثال آخوند ملّاقربانعلی و امثال اینها. زنجان واقعاً یک مرکز برجسته و ممتاز است. در دانشهای جدید، خب همین شهید نامدار هسته‌ای ما، شهید شهریاری (۳) فرزند پُرافتخار زنجان است. بنابراین افتخارات زنجان خیلی زیاد است ؛ شهدا هم در رأس افتخارات زنجان محسوب میشوند. یک جمله درباره‌ی شهیدان عرض میکنم، یک جمله هم درباره‌ی کار شما و این حرکت بزرگداشت شهیدان عرض خواهم کرد.

[امّا] در مورد شهیدان ؛ خب شهیدان برگزیدگانند ؛ برگزیدگان خدای متعالند. شهیدان راه درست را انتخاب کرده‌اند، خدا هم آنها را برای رسیدن به مقصد انتخاب کرد. ارزش شهیدان با محاسبات مادّی ما ارزش غیر قابل محاسبه‌ای است. شهیدان در برترین تجارت عالم برنده شده‌اند: یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَیٰ تِجَارَةٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنْفُسِکُمْ» (۴) تا آخر ؛ برنده‌ی بزرگ در این تجارت، شهدای ما هستند. یا «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَیٰ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» ؛ (۵) دیگر بالاتر از این چه میشود؟

یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد که آن نکته باید مورد توجّه همه‌ی ما باشد و آن، این است که شهادت قلّه است و قلّه بدون دامنه معنا ندارد. هر قلّه‌ای یک دامنه‌ای دارد ؛ بسیاری از ماها آرزوی رسیدن به آن قلّه را داریم ؛ [خب،] باید از دامنه عبور کنیم، بایستی مسیر را در دامنه‌ی آن قلّه پیدا کنیم و از آن مسیر برویم تا به قلّه برسیم وَالّا رسیدن به قلّه بدون عبور از دامنه ممکن نیست. این دامنه و این مسیر چیست؟ اخلاص است، ایثار است، صدق است، معنویّت است، مجاهدت است، گذشت است، توجّه به خدا است، کار برای مردم است، تلاش برای عدالت است، تلاش برای استقرار حاکمیّت دین است ؛ اینها است که مسیر را معیّن میکند و اگر شما از این مسیر رفتید، ممکن است به قلّه برسید. آن کسی که به قلّه میرسد، از اینجا باید برود و از این مسیرها حرکت کند. معنویّت را نباید فراموش کرد.

من یک جایی خواندم که شهید شهریاری یک شب تا دیروقت روی یک مسئله‌ی علمیِ پیچیده‌ای کار میکرد و نتوانست آن را حل کند. شاگرد او نقل میکند ــ این را در آن کتاب نوشته بود ــ که شهید مبالغ زیادی کار کرد، بعد که نتوانست این مسئله را حل کند، گفت برویم مسجد دانشگاه ــ گمانم دانشگاه شهید بهشتی ــ رفتیم داخل مسجد، دو رکعت نماز خواند با حال، با توجّه، بعد از نماز گفت فهمیدم، راه حل را خدای متعال به من نشان داد ؛ بلند شد آمد و مسئله را حل کرد. معنویّت این است ؛ راه خدا این جوری است. وقتی انسان این حرکت را کرد، این مسیر را پیش رفت، آن وقت رسیدن به قلّه ممکن میشود، آسان میشود ؛ نمیگوییم حتمی میشود امّا ممکن میشود. بدون حرکت در این مسیر، رسیدن به قلّه امکان‌پذیر نیست.

امّا در باب شما برگزارکنندگان این همایش و این بزرگداشت ؛ اوّلاً بدانید این کار یک حسنه‌ی بزرگ است، کار مهمّی است این کاری که انجام میگیرد. این کار بزرگداشت شهیدان و کارهایی را که در اطراف این قضیّه انجام میگیرد، نباید یک کار معمولی و عادی دانست ؛ نه، این حقیقتاً یک حسنه‌ی بزرگی است که شما دارید انجام میدهید. [و البتّه] یک وظیفه است که تمام هم نشده. همچنان که در صحبتهای این برادرمان بود، این جور نیست که حالا چند سال گذشت و بعضی از شهرها، شهرستان‌ها و استانها بزرگداشت برگزار کردند و قضیّه تمام شد ؛ نه، تازه شروع شده. با گذشت چند سال از دفاع مقدّس، حادثه‌ی بزرگداشت شهیدان شروع شده و ادامه پیدا خواهد کرد و باید ادامه پیدا بکند.

ابتکارهایی باید به خرج بدهید. البتّه این کارهایی که ذکر کردند که انجام گرفته، همه جزو بهترین کارها است ؛ هم نوشتن کتابها، هم تهیّه‌ی فیلم‌ها، هم خدماتی که در اطراف این کار با یاد شهدا و نام شهدا انجام میگیرد، همه کارهای خوبی است. من هم این کتابها و این نشانه‌هایی را که تهیّه کرده بودید، در راه مشاهده کردم و دیدم ؛ خوب بود. البتّه کتابها را نخواندم لکن عناوین، عناوین خوب و درستی بود.

بایستی در کنار این کارها، کارهای دیگری هم انجام بگیرد. از جمله‌ی کارها، تحلیل‌ها و استنتاجهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی روی این خاطره‌نویسی‌ها بر اساس حضور عنصر پُرقدرت دین است ؛ این خیلی چیز مهمّی است. چرا این را بعضی‌ها میخواهند ندیده بگیرند؟ در گزارش دوستان خواندم که یک تعدادی از این شهدا تک‌پسرهای خانواده‌ها بودند ؛ اینکه این مادر و این پدر آماده هستند که این تک‌پسر را بفرستند به میدانی که ممکن است برنگردد، از چه چیزی ناشی میشود؟ این جز با نگاه به دین، به رضای الهی، به ثواب الهی و به وظیفه‌ی دینی از چیز دیگری ناشی میشود؟ خود این جوان که این جور حرکت میکند و میرود در مقابل این خطرات بزرگ جان خودش را و سینه‌ی خودش را سپر میکند، انگیزه‌ی دینی دارد. حضور این عنصر پُرقدرت، از لحاظ جامعه‌شناختی کشور و از لحاظ روان‌شناختی مردم کشور بایست تحلیل بشود، بررسی بشود ؛ [باید] روی این کار کنند.
یا برخی از چیزهایی که در حاشیه‌ی این جان‌فدایی‌ها و فداکاری‌ها وجود داشته: [مثلاً] شرح حال پدرها و مادرها ؛ این خیلی چیز مهمّی است ؛ این پدرها، احساساتشان، انگیزه‌هایشان چگونه بوده است؟ یا همسرها ؛ یعنی همسری که در کنار این جوان محبوب خودش دارد زندگی راحت میکند، چطور چشم میپوشد از او و موافقت میکند با رفتن او و صبر میکند بر نبودن او و بعد بر شهادت او؟ اینها، این احساسات آنها، حالات آنها، همه‌ی اینها در خور تحلیل است.

یا خدماتی که در اطراف این کار انجام گرفته. یکی از چیزهایی که حالا من دقیق نمیتوانم ادّعا کنم امّا به نظر من شاید بشود گفت جزو اختصاصات کشور ما و جنگ ما است، این خدماتی است که در خانه‌ها و در مراکز زنانه و مردمی و مانند اینها انجام گرفته. فرض کنید در خانه‌هایی غذا درست کردند، کمپوت درست کردند، امکانات آذوقه‌های جنگی فراهم کردند، نان پختند و فرستادند ؛ اینها چیزهای عجیب و غریبی است ؛ این مردها و این زنها

با چه انگیزه‌هایی، با چه همّتی این کار را کردند؟ من اخیراً یک کتابی خواندم به نام حوض خون ــ البتّه من در اهواز دیده بودم ؛ خودم مشاهده کردم آنجایی را که لباسهای خونی رزمندگان را و ملحفه‌های خونی بیمارستان‌ها و رزمندگان را می‌شستند ؛ [اینها را] دیدم ــ که این کتاب تفصیل این چیزها را نوشته ؛ انسان واقعاً حیرت میکند ؛ انسان شرمنده میشود در مقابل این همه خدمتی که این بانوان انجام دادند در طول چند سال و چه زحماتی را متحمّل شدند ؛ اینها چیزهایی است که قابل ذکر کردن است.

یا تشییع جنازه‌ها ؛ یکی از چیزهای مغفولی که تا حالا به آن توجّه نشده و باید حتماً توجّه بشود، تشییع جنازه‌ی شهدا است در دوران جنگ و الان هم همین جور است ؛ حالا هم که گاهی اوقات استخوانهای یک شهید را وارد یک شهری میکنند، چه تشییع جنازه‌ای انجام میگیرد! در دوران جنگ هر چند روز یکبار در این شهرها ــ در زنجان شما و جاهای دیگر ــ همین طور تشییع جنازه‌های عظیمی راه می‌افتاد، مردم می‌آمدند، شعرا شعر میگفتند، نوحه درست میکردند، سینه میزدند، به نام شهدا، به یاد شهدا ؛ اینها در هیچ جای دنیا نیست، اینها چیزهای عجیب و غریبی است، اینها به یاد ماندنی است، اینها را باید ثبت کرد و نگه داشت.

یک مسئله‌ی دیگر هم همین نامگذاری کوچه‌ها و خیابانهای شهرها است، شهر باید مزیّن شود به نام شهیدان، به یاد شهیدان ؛ شوراهای شهر در شهرهای مختلف بدانند که با اسم چه کسانی این شهر مفتخر میشود. چه افتخاری برای یک شهر، برای یک خیابان، برای یک کوچه و یک گذر، بالاتر از اینکه نام شهید بزرگی، نام یک انسان فداکاری بر روی آن گذاشته بشود ؛ اینها چیزهایی است که بایستی دنبال بشود. دنبال کنید و این مسائل را پیگیری کنید. قدم ابتدائی را برداشتید که همین تشکیل این کارها و این همایش و بزرگداشت و کارهای جانبی آن است، و ادامه بدهید این مسائل را.
ان‌شاءالله خدای متعال برکات شهیدان را شامل حال ملّت ما قرار بدهد. ارواح مطهّر شهیدان را با پیغمبر محشور کند و ان‌شاءالله آثار این مجاهدتها ــ که پیروزی ملّت ایران است ــ را بزودی ببینند ؛ همچنانی که داریم می‌بینیم که خوشبختانه در این سالها ملّت ایران همیشه به طرف پیروزی حرکت کرده. ان‌شاءالله این مشکلات هم برطرف خواهد شد. آنچه امروز به عنوان مشکلات معیشتی، اقتصادی و امثال اینها وجود دارد، ان‌شاءالله به توفیق الهی با همّت مسئولان و با همّت امثال شماها برطرف خواهد شد. خداوند ان‌شاءالله به شماها اجر بدهد و امام بزرگوار را که این راه را در مقابل پای ما گذاشت، ان‌شاءالله با پیغمبر محشور کند ؛ و ارواح طیّبه‌ی شهدا از ما راضی باشند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

[۱]. در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین علی خاتمی (نماینده‌ی ولی‌ّفقیه در استان و رئیس شورای سیاستگذاری کنگره)، آقای دکتر محسن افشارچی (استاندار و رئیس ستاد اجرائی کنگره) و سرتیپ دوّم پاسدار جهانبخش کرمی (فرمانده سپاه استان و دبیرکلّ کنگره) مطالبی بیان کردند.

[۲]. خانم فروغ منهی (مادر شهیدان خالقی‌پور)

[۳]. شهید مجید شهریاری، فیزیک‌دان و دانشمند هسته‌ای، که در هشتم آذر ۱۳۸۹ ترور شد و به شهادت رسید.

[۴]. سوره‌ی صف، آیه‌ی ۱۰ و بخشی از آیه‌ی ۱۱ ؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که

شما را از عذابی دردناک میرهاند؟ به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید ...»

[۵]. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱ ؛ «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است ...»